

تکالیف والدین در قبال تربیت فرزند در اسلام و یهودیت

mresfandiar@gmail.com

malaki.mm@gmail.com

محمودرضا اسفندیار / دانشیار گروه ادیان و عرفان واحد یادگار امام خمینی دانشگاه آزاد شهرری
 ک زهرا ملکی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان واحد یادگار امام خمینی دانشگاه آزاد شهرری
 دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳

چکیده

این پژوهش به تبیین وظایف بنیادین والدین در قبال فرزند از منظر اسلام و یهودیت می‌پردازد و وجوه اشتراک آموزه‌های دینی در زمینه تربیت، به‌ویژه تربیت اخلاقی کودک را می‌نمایاند. در مجموع، نه وظیفه والدین که تربیت بنیادین کودک متأثر از آنهاست، عبارتند از: انتخاب همسر شایسته؛ توجه به دستورات شریعت در بدو تکوین نطفه؛ تکیه بر مقام اراده ربوبی و استمداد از او در امر تربیت؛ تزکیه و تأدیب خویشتن؛ تکریم کودک؛ آموزش مفاهیم اخلاقی به او؛ توجه به استعدادهای ذاتی کودک در برنامه‌ریزی تربیتی برای او؛ ایجاد علاقه به خداوند در کودک؛ و دقت در نحوه مواجهه با خطاهای او. گرچه دستورات دینی و مصادیق توصیه‌های تربیتی به والدین در اسلام و یهودیت متفاوتند، تمایزی در اصول و رویکردهای کلی آنها ملاحظه نمی‌شود. این پژوهش می‌تواند نقش ادیان در تربیت اخلاقی را تبیین کرده، بر ضرورت التزام به شریعت و باورهای دینی تأکید کند و پیروان را به اشاعه اخلاق دینی ترغیب نماید. کار تحقیق، به روش مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته و در مواردی نیز از مصاحبه بهره‌برداری شده است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، وظایف والدین، کودک، اسلام و یهودیت، اخلاقیات فرزند

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

موضوع تکالیف والدین در قبال تربیت فرزندان از منظر دین، موضوعی است که در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی مورد توجه بوده است؛ اما در حوزه تحقیقات دین‌پژوهی، به‌ویژه با رویکرد تطبیقی، جای آن خالی به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به ریشه ابراهیمی ادیان اسلام و یهود، روشن است بتوان شباهت‌هایی بنیادین در این زمینه استخراج نمود. در نگاه دو شریعت به موضوع تربیت فرزند، تکالیف والدین بیشتر جنبه استجاب شرعی دارد و گاه جنبه اخلاقی می‌یابد. در هر حال، اصل اهتمام به پرورش و تربیت نسل عالم و عامل به دین، یکی از مهم‌ترین وظایفی است که شریعت بر ذمه جامعه دینی و هر فرد مؤمن نهاده که در اینجا فقط به وظایف فردی والدین پرداخته شده است. در تعالیم اسلامی، تربیت‌کننده خداست (حمد: ۲)؛ ربوبیت تکوینی و تشریحی او بر عالم سیطره دارد و بعثت رسولی که زمینه تزکیه و تعلیم را فراهم نموده، متنی بر مؤمنان معرفی می‌شود (آل عمران: ۱۶۴). در ادامه، امر به تربیت فرزندان نکته‌ای است که در قرآن و روایات بسیار بر آن تأکید شده است و زمان آغاز آن به پیش از انتخاب همسر بازمی‌گردد.

مطابق تعالیم شریعت یهود نیز تربیت کودک پیش از انتخاب همسر آغاز می‌شود و متناظر با آنچه در اسلام به‌عنوان وظیفه والدین در قبال تربیت مطرح شده، در منابع یهود نیز بدان اشاره شده است. در تورات، نخستین امر خطاب به آدم و حوا، صادر شده فرمان به داشتن فرزند است (پیدایش ۱: ۲۲) که به‌طور مساوی به زن و مرد محول شده است. مطابق تعالیم یهود، کتاب مقدس بدین‌سبب «عهد» نامیده شده که خداوند با قوم بنی‌اسرائیل عهد بست تا در قبال رعایت احکام ۶۱۳ گانه شریعت (تورات)، قوم برگزیده باشند. شرط تحقق این عهد، بالتبع تربیت نسلی عالم و عامل به این فرامین است. بنابراین تزکیه، تربیت فرزندان و اشاعه اخلاق دینی در خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (حمای لاله‌زار، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴).

گرچه در بخش دین اسلام دسترسی به منابع متنوع مرجع، امکان استخراج مطالب را آسان می‌ساخت، اما به همین نسبت در دین یهود محدودیت‌های دسترسی به منابع اصلی، کار را سخت می‌کرد. لذا بخش اعظم مباحث، از کتب حخامیم و پژوهشگران معاصر حوزه تربیت دینی برداشت شده است. به‌علاوه تفاوت‌هایی در برخی تفاسیر و رویکردهای ایشان در مجامع مختلف یهودیان دیده می‌شد که ناگزیر رویکرد و اندیشه‌های مورد تأیید انجمن کلیمیان تهران مبنا قرار گرفت و در مواردی نیز از داراوش‌های هفتگی جناب حاخام دکتر حمای لاله‌زار، کارشناس محترم انجمن، و مصاحبه با ایشان بهره‌برداری شد که همین‌جا از ایشان کمال سپاس را دارم.

این مقاله در چهار بخش به تبیین کلیات، اصول مباحث تربیت دینی از منظر دین اسلام، تبیین عناصر تربیت دینی در شریعت یهود و مقایسه تطبیقی شاخص‌های دو شریعت پرداخته است. همچنین در تبیین مباحث از منظر ادیان، وظایف اثرگذار بر تربیت بنیادین کودک در حوزه اهداف غایی و اهداف کلی در دو دین بررسی شده و از ذکر اهداف جزئی و مصادیق رفتارهای تربیتی به دلیل تعدد و تنوع و اتکا آنها به آموزش مستقیم شریعت و احکام دینی، صرف‌نظر گردیده است.

۱. کلیات

۱-۱. مفهوم تربیت اخلاقی از منظر دین

واژه «تربیت» بر گستره عظیمی از مفاهیم سیطره دارد و می‌تواند بر لایه‌های مختلف وجودی انسان دلالت داشته باشد (ابن‌ماجه، ۱۴۱۸ق، ص ۷۴؛ صائمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۷۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۹؛ الحافظ ابی‌القاسم، ۱۳۹۸ق، ص ۱۰). از مجموع تعاریف اصطلاح تربیت از منظر دین (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۵۵؛ صائمی، ۱۳۷۶، ص ۱۳؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴) نیز چنین استنباط می‌شود که منظور از تربیت، شکوفاسازی و به فعلیت رساندن جمیع استعدادها در جهت کمال انسان است.

در فرهنگ یهود، واژه‌های عبری حوریم (والدین=horim) و پوریم (معلمان=porim) هر دو از یک ریشه مشتق شده و به معنای تربیت کردن، تعلیم دادن و آموختن می‌باشند (کیپنس و نومبر، ۲۰۱۵، XII). با توجه به این تعاریف، والدین وظیفه دارند در تعامل با کودک روش‌هایی در پیش گیرند که اولاً به‌طور ذاتی روح معنویت را در ضمیر او نهادینه کنند؛ ثانیاً با رفتار صحیح با او و در حضور او با خانواده و دیگران، به‌طور غیرمستقیم وی را برای پذیرش آداب و اخلاق دینی آماده نمایند.

در زمینه تربیت اخلاقی باید توجه داشت هر انسانی به‌اعتبار برخورداری از نفخه الهی و حجت عقلی که در نهاد وی قرار داده شده است، بسیاری از ارزش‌ها را بالفطره درمی‌یابد؛ اما این موضوع نافی برنامه‌ریزی والدین برای تربیت فرزند نیست. وقتی پرورش اخلاق وارد نظام تربیتی می‌شود، سه سطح می‌توان برای آن قائل شد: سطح اول ایجاد اعتقادات و باورها در کودک است. باورهایی که ناظر بر ارزش‌گذاری باشند، جنبه‌های عقلانی تربیت اخلاقی کودک را سامان می‌دهند و او را قادر خواهد ساخت که خوب یا بد بودن افعال را تشخیص دهد. سطح دوم آن است که کودک بتواند اصول و عقاید اخلاقی را در رفتار خود به کار بندد. سطح سوم تربیت اخلاقی شامل نوعی مراقبت حالات درونی و رفتارهای بیرونی است؛ لذا ملکه ساختن آموزه‌های اخلاقی موضوعیت پیدا می‌کند (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۷۵). پس وظایف والدین باید به‌گونه‌ای سامان‌دهی شود که نتیجه این فرایند تربیتی، عضوی مؤمن و متخلق به اخلاق دینی در جامعه باشد.

۱-۲. اهداف تربیت دینی و نسبت آن با وظایف والدین

اهداف تربیت دینی را در سه محور غایی، کلی و تفصیلی می‌توان بررسی کرد:

هدف غایی، قرب حقیقی به خداست. اوست که وجود، کمال و نهایت مطلق است و غایت کمال انسان‌ها «تعالی» از طریق تمسک به تعالیم و عمل به اوامر ربوبی اوست. در قرآن، خداوند متعال «عبادت» را هدف نهایی خلقت انسان دانسته (ذاریات: ۵۶) و برنامه تربیت دینی، از آغاز در راستای نیل به این هدف طراحی شده است. هدف نهایی تربیت دینی در شریعت اصیل یهود نیز قرب به ذات قدوس خداوند است. مفسران تورات از آیه «و این سخنان که امروز تو را امر می‌فرمایم، بر دل تو باشد» (تثنیه ۶: ۶) چنین استنباط کرده‌اند: «این سخنان را بر

قلب خود بگذار؛ زیرا که بدین وسیله تو ذات قدوس متبارک را خواهی شناخت و به راه‌های او خواهی پیوست» (سفیره دواریم، ۳۳ الف؛ راب، ۱۳۸۲، ص ۲۳۰)، لذا تعالیم تورات حکم ریسمانی دارد که متمسکان به آن از غرق شدن در دریا ترسی نخواهند داشت (همان، ص ۲۳۲).

اهداف کلی را می‌توان حد واسط هدف غایی و اهداف جزئی دانست که مسیر حرکت انسان را روشن‌تر می‌کنند. با توجه به اینکه تربیت دینی درصدد هدایت تعاملات انسان با خدا، خود، جامعه پیرامونی و طبیعت است، اهداف کلی قوانین حاکم بر این روابط را سامان می‌بخشد و قوانینی برای آنها وضع می‌کند (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۲۰). به این ترتیب، اهداف کلی مبتنی بر اخلاقیات صورت می‌پذیرند. در این مرحله، والدین می‌توانند از طریق راهکارهای غیرمستقیم بر ضمیر ناخودآگاه فرزند تأثیر می‌گذارند و قالب وجودی او را پی‌ریزی می‌کنند.

در اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه بهبود نیز می‌توان از چهار حوزه ارزشی سخن گفت: اول «خود» به‌منزله انسان‌هایی منحصربه‌فرد که قادر به توسعه و رشد معنوی، اخلاقی، عقلانی و جسمانی هستند. دوم ارتباط با «دیگران». از نظر عهد قدیم، نوع بشر از آن حیث که خداوند او را شبیه خویش آفرید، محترم و مقدس است؛ لذا نظام ارزش‌گذاری در رفتار هر فرد با دیگران مطلق است و عکس‌العمل‌های متقابل نمی‌تواند معیار رفتار فرد قرار گیرد (شختر، ۱۹۸۱، ص ۳۰). سوم «جامعه». صدق، عدالت، کمک به نیازمندان و تلاش برای اشاعه دستورات خداوند در جامعه، مهم‌ترین ارزش امر تربیتی هستند که فرد از کودکی با آنها آشنا می‌شود و لازم است مطابق آن رفتار اجتماعی خود را تنظیم کند. چهارم «محیط». خداوند به تمام اجزای عالم فرمان داده است که سودمند باشند (پیدایش: ۲۲). آدمیان به‌طور ویژه مخاطب این پیام خدا قرار گرفته‌اند که ثمربخش باشند و در زمین به آبادانی بپردازند. از تمام اجزای هستی، اعم از جماد و نبات و حیوان، لازم است توسط انسان در مسیر درست به کار گرفته شوند (بالی، ۲۰۰۵، ص ۱۰).

اهداف تفصیلی وارد حوزه مصادیق شده، بدین منظور طراحی می‌شوند که والد (یا مربی) به‌طور صریح و آشکار بتواند مرتبی را گام‌به‌گام از وضع موجود به وضع مطلوب سوق دهد و مؤدب به ادب دینی کند (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۲۰-۲۲). اموری چون آشنایی با مناسک دینی، ادب و احترام، صداقت، گذشت و بخشایش، پرهیز از رفتارهای ناشایست و مواردی از این قبیل - که شرح مصادیق آداب و اخلاق دینی می‌باشند - بیشتر جنبه آموزشی دارند و در این حوزه قرار می‌گیرند. قاطبه تعالیم حوزه اهداف تفصیلی در نظام دینی مشابهت‌هایی دارند. تفاوت‌های موجود نیز اولاً در مواردی است که به دستورات شریعت برمی‌گردد؛ ثانیاً برخی دستورات ممکن است از نظر شریعت یا علمای دینی بیشتر مورد توجه قرار گرفته باشند. در این متن، اهداف غایی و اهداف کلی محوریت داشته‌اند.

۲. تکالیف والدین در قبال تربیت فرزندان در اسلام

۱-۲. انتخاب همسر شایسته

ابتدا لازم است توجه شود که تربیت در ابعاد جسمی، هوشی، عقلانی، اخلاقی و معنوی، وابستگی عمیقی به همین ابعاد در والدین دارد. لذا در مقوله تربیت دینی فرزندان به‌صورت عام و تربیت اخلاقی به‌صورت خاص، نخستین گام، انتخاب مادر یا پدری شایسته برای ایشان خوانده شده است. امام علی علیه السلام در خصوص این ضرورت می‌فرماید: «تیک

بنگرید که نور دیده خود را در اختیار چه کسی قرار می‌دهید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۲)؛ لذا صفاتی چون عفاف (نور: ۲۶)، دینداری (بقره: ۲۲۱)، حُسن خلق (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۵)، اصالت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۸)، سلامت و زیبایی (همان، ص ۵۶) و آشنایی به وظایف همسری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶)، مهم‌ترین ویژگی‌های همسر برای همراهی در زندگی و تربیت فرزندان صالح ذکر شده‌اند.

۲-۲. توجه به دستورات شریعت در بدو تکوین نطفه و دوره جنینی فرزند

ملاحظه دیگری که در زمینه تربیت بنیادین مطرح است، توجه به آداب مجامعت است (همان، ج ۱، ص ۱۶). در تعالیم شریعت این آداب چنان مبسوط تشریح شده‌اند که بتوان آن را هم‌ردیف مناسک مقدس دینی قرار داد. در مجموع، توصیه به طهارت، انتخاب تاریخ، روز و زمان مناسب، آمادگی روحی زوجین و اشتیاق متقابل ایشان، دقت در حلال بودن غذا و پیشنهاد نوع آن، پرهیز از مکروهات و قرائت ادعیه وارد شده، ناخودآگاه والدین را متوجه قداست موضوع می‌کند. به این ترتیب، علاوه بر وعده برخورداری از فرزند صالح، والدین این امکان را دارند برخی ویژگی‌های ذاتی کودک را به انتخاب خویش رقم بزنند و او را از برخی بلاها مصون بدارند (مجلسی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷-۱۲۴).

دقت در ایجاد آمادگی روحی زوجین برای بارداری، عامل مهم دیگری است که در تربیت دینی حائز اهمیت است. عمده این آمادگی، مراقبه و استغاثه به درگاه پروردگار است. نمونه کامل این موضوع، درباره ولادت حضرت فاطمه علیها السلام بیان شده است؛ بدین صورت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه رضی الله عنها موظف شدند چهل روز عزلت اختیار کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله این مدت را در غار حرا بودند و پس از پایان دوره مراقبه و تناول میوه بهشتی، مقدمات ولادت حضرت فاطمه رضی الله عنها فراهم شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶).

۲-۳. تزکیه و تربیت نفس

یکی دیگر از وظایف والدین در امر تربیت فرزند، تربیت خویشتن است. ایشان وظیفه دارند پیش از آنکه کودک را به کار نیک فراخوانند یا از صفت و عمل رذیله‌ای برحذر دارند، آن را در رفتار خویش ایجاد یا امحا کرده باشند. آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ» (صف: ۳-۲)؛ به روشنی بر اهمیت این موضوع دلالت دارند. امر به مراقبه و تربیت خویشتن، از دو جنبه کلی و اختصاصی حائز اهمیت است. در بُعد کلی، والدین هر دو باید توجه داشته باشند، برای اینکه شایستگی تربیت انسان دیگری را داشته باشد، ابتدا باید بتواند بر نفس خویش غالب آید. در غیر این صورت، توفیقی برای وی حاصل نخواهد شد.

بُعد اختصاصی مراقبه که حوزه اثر محدودتر و متمرکز دارد، مختص مادران در دوره بارداری است. از منظر دین، درک کودک از زمان تکوین نطفه به رسمیت شناخته شده و نظام ربوبی، جنین را متأثر از شرایط جسمی و روحی و معنوی مادر قرار داده است. لذا دوره جنینی در امر تربیت از اهمیت بالایی برخوردار است و اعمال و رفتار مادر بر روح، فکر و جسم او اثر مستقیم دارد. حالاتی چون ایمان، عشق، تقوا و سجایای اخلاقی یا ترس، کینه و حسادت، همه و همه بر کودک اثر می‌گذارند و سعادت یا شقاوت طفل را رقم می‌زنند (فلسفی، ۱۳۴۳، ص ۱۱۸).

علاوه بر این، دقت در ارتزاق حلال (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۴)، دعا برای داشتن فرزند صالح (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۹۸) و مراقبه و مبادرت بیشتر بر عبادات (ر.ک: مظاهری، ۱۳۷۴، ص ۶۵-۶۹) تأثیر قابل توجهی در برخورداری کودک از فطرت نیکو دارند.

۴-۲. تکیه بر ربوبیت الهی و استمداد از او

والدین باید توجه داشته باشند که خالق و مربی فرزند، در حقیقت خداوند است. در اسلام، خداوند رب است و از باب نمونه از آیه «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)، می توان احاطه الهی بر ابعاد وجودی انسان را درک نمود. خلقت تنها در ید قدرت اوست و ذیل اراده لایزال الهی روح در کالبد جنین وارد می شود (حجر: ۲۹). لذا برخی ادعیه والدین را متوجه می سازند که صحت و سلامت جسم و روح کودک را باید از خداوند طلبید (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵). پس از ولادت نیز خداوند رزق او را مقدر نموده است (اسراء: ۳۱) و هر لحظه به امور او و همه مخلوقات توجه دارد (الرحمن: ۲۹). با وجود این، بخشی از وظایف تربیت کودک به والدین تفویض شده است که اگر این وظایف از آغاز درست اجرا شوند، نظام تکوین در جسم و روح فرزند اعمال نقش می کند و مراتب عالیه تربیت تحقق خواهد یافت. روشن است در صورت عدول والدین نیز ذات اقدس الهی هدایت تکوینی و تشریحی خود را برای مخلوقات خود داشته و دارد.

۵-۲. تکریم کودک

در اسلام، تکریم کودک، محبت و بزرگداشت او، از نخستین اموری است که بر آنها تأکید شده است. حضرت رسول ﷺ کودک را ریحانه بهشتی می خواند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۸۴) و نماز خود را به محض شنیدن صدای گریه طفلی کوتاه می کرد (طوسی، ۱۳۶۵ق، ج ۳، ص ۲۷۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۸). مکرر اتفاق می افتاد که کودکی را نزد حضرت می آوردند تا برای او دعا فرمایند. یک بار طفلی لباس حضرت را آلوده ساخت. والدین خواستند کودک را بگیرند تا مانع آلوده شدن بیشتر لباس حضرت شوند. نبی مکرم اسلام اجازه ندادند و فرمودند: «اجابت مزاج کودک را قطع نکنید» (طبرسی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۴). حضرت رسول ﷺ در کنار این حسن رفتار با اطفال، به والدین امر می کند: «اکرموا اولادکم» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۹۵؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۱۱). در صحیفه سجادیه نیز در خصوص حقوق اطفال آمده است: «وَأَمَّا الصَّغِيرُ فَرَحِمْتَهُ» (صحیفه سجادیه، رساله حقوق، ۴۴). پوشاندن طفل به لباس مناسب نکته دیگری است که به آن سفارش شده است. علاوه بر اصل پوشش، پیامبر ﷺ رنگ سفید را مناسب لباس نوزاد دانسته اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۰۹). همچنین این فرمایش ایشان: «غَطُّوا حَرَمَةَ عَوْرَتِهِ» (ابوعبدالله الحاکم، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۸۸)، بیانگر ضرورت رعایت شئونات درباره کودک از بدو ولادت است.

به علاوه مطابق قول نبوی که فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَوَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأْلُفِ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَأْدِيبِهِ» و «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَكُمْ لِيُغَيَّرَ لَكُمْ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۹)، روشن می شود که ایشان انس با فرزند، تعلیم، تأدیب و گرمای داشت او را مستوجب رحمت و بخشش خداوند می دانند.

۶-۲. توجه به استعدادهای ذاتی کودک

مورد دیگر تربیت فرزند بر اساس استعدادهای ذاتی اوست. روشن است نیازهای کودک فقط خوراک، پوشاک، محبت و امثال اینها نیست و استعدادهایش بسیار فراتر از خواندن و نوشتن و انباشتن حافظه اوست. او از غرایز فردی و اجتماعی بسیاری، مانند فکر و عقل و اراده و وجدان و فرقان بهره‌مند است و نیازهای بی‌شماری دارد. شاید هر نیاز نمودار یک استعداد انسان باشد. محبت، استقلال، تردید و یقین، امنیت، معاشرت، حس مقبولیت، تشویق، ستاییدن و ستوده شدن، هر کدام نمود استعدادی در کودک است که باید به آنها پرداخت. کودک، هم عقل دارد و هم دل؛ از این رو هم روشنفکری می‌خواهد هم روشندلی. والد یا مربی وظیفه دارد با دو عامل «احتیاج» و «هدف»، سعی در شکوفا نمودن همه استعدادهای کودک داشته باشد. کودک برای رسیدن به یک توپ یا عروسک، به منزله یک هدف، حرکت می‌کند، می‌ایستد، راه می‌افتد، می‌کوشد و از استعدادهای خود کمک می‌گیرد. لذا این هدف‌ها هستند که به او را عمق می‌بخشد و به نبوغ می‌رسانند. پس باید کودک را در بستری قرار داد تا به مرور احتیاجات خود را حس کند؛ اهدافش را بشناسد و بارور شود (صفایی حائری، ۱۳۸۹، ص ۳۶-۳۷). بنابراین، شناختن استعدادهای کودک و تلاش برای پرورش آنها و ایجاد شوق و حرکت و خودشکوفایی در کودک، از مهم‌ترین وظایف والدین در قبال تربیت فرزندان محسوب می‌شود.

۷-۲. آموزش کودک

آموزش کودک یکی از مهم‌ترین عناصر تربیت در ادیان محسوب می‌شود. این سخن رسول مکرّم اسلام ﷺ که فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۰، ص ۳۲۳) اهمیت و جایگاه تعالیم اخلاقی را روشن می‌کند. ایشان دوران تربیت کودک را به سه دوره تقسیم می‌کنند و می‌فرمایند: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۲). در دوره اول - چنان‌که از سیره ایشان مواردی قید شده است - کودک آقایی می‌کند؛ بدین معنا که می‌تواند مطابق فطرت کودکانه خویش به بازی و تفریح مشغول باشد و مورد امر و نهی جدی قرار نگیرد. آموزش ادب و احترام به او نیز جنبه غیرمستقیم دارد و رفتار نیکو با او و در حضور او از جانب اطرافیان، مهم‌ترین روش آموزش رفتار برای کودک محسوب می‌شود. کودکانی که احترام می‌بینند، گرامی داشته می‌شوند و غریزه حب ذات ایشان به شایستگی در منزل ارضا می‌گردد، روحیه‌ای طبیعی، روانی متعادل و زمینه‌ای مناسب برای پذیرش تربیت اخلاقی دارند؛ بالعکس، کودکانی که احترام نمی‌بینند، احساس حقارت باطنی، از آنها افرادی با روحیه‌ای شکست‌خورده، کم‌توان در ایفای نقش اجتماعی، کم‌اراده در اجرای اوامر الهی و متهور در ارتکاب معاصی می‌سازد (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

از جمله مصادیق آموزش غیرمستقیم اخلاقیات به کودک در سیره نبوی، می‌توان به این موارد اشاره کرد: محبت و احترام به فرزندان و گرامی داشتن ایشان (حراملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۹۵)؛ آنان را به القاب و خطاب نیکو خواندن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۴۱۹)؛ سلام کردن به ایشان (الحافظ ابی‌القاسم، ۱۳۹۸ق، ج ۲۲، ص ۴۱۹)؛ پاسخ مناسب به رفتارهایی که برای جلب توجه انجام می‌دهند (همان)؛ بازی با آنان

(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۸۳)؛ وفای به عهد (متقی‌هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۰)؛ شاد کردن ایشان (همان، ج ۳، ص ۱۷۰)؛ هدیه دادن به فرزندان (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۳)؛ رعایت مساوات بین ایشان و برتری دادن دختران (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۱۰۹).

۸-۲. ایجاد علاقه به خداوند در کودک

تکلیف دیگر، ضرورت ایجاد علاقه به درک خداوند در کودک است. والدین وظیفه دارند از عظمت و شکوه خداوند برای فرزندان خود صحبت کنند و نعمت فراوان او را یادآور شوند تا بدین‌وسیله محبت الهی را در دل ایشان تثبیت کنند. در آیاتی از قرآن اتخاذ این رویه مشاهده می‌شود (فاطر: ۳؛ لقمان: ۲۰). کمال این ایجاد علاقه زمانی است که کودک تاحدودی با شرعیات آشنا شده باشد و به‌قدر درک خویش دریابد که چگونه می‌تواند با خالق خویش ارتباط برقرار کند. لذا تکالیفی که صرفاً جنبهٔ تعلیمی دارند، تعیین شده که خوب است والدین مطابق آن کودک را با عبادات آشنا کنند.^۱

۹-۲. دقت در نحوهٔ مقابله با خطاهای کودک

آخرین وظیفه‌ای که در اینجا به آن اشاره می‌شود، دقت در نحوهٔ برخورد با اشتباهات فرزند است. رویکرد ادیان اسلام و یهود به این موضوع، در درجهٔ اول پیشگیری است؛ سپس حد نگهداشتن و رعایت اعتدال. یونس‌بن‌رباط می‌گوید: امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ قُلْتُ: كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ؟ قَالَ: يَقْبَلُ مَسُورَهُ، وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ، وَ لَا يُرْهِقُهُ، وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰)؛ خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را به نیکی‌اش یاری کند. من به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه او را به نیکی یاری کند؟ در پاسخ فرمود: آنچه در حد توان اوست، از او بپذیرد؛ و آنچه برایش سخت است، از او بگذرد؛ و به او ظلم تحمیل نکند و به او نسبت جهل ندهد؛ اما اگر ضرورت ایجاب کند که فرزندت تنبیه شود، باید حد نگه داشت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ مِيزَانَ الْجَاحِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۸۲). بنابراین پسندیده است که والدین بر فرزندان خود بیش از توان آنها سخت‌گیرند و بخشی از لغزش‌ها هنگام توبیخ نادیده گرفته شوند تا ایشان به عکس‌العمل واداشته نشوند.

۳. تکالیف والدین در قبال تربیت فرزندان در یهودیت

۱-۳. انتخاب همسر شایسته

در شریعت یهود تربیت فرزند از زمانی آغاز می‌شود که فرد بالغ آمادگی عمل به اولین امر الهی (پیدایش ۱: ۲۸) را در خود می‌یابد و درصدد ازدواج برمی‌آید. صفاتی چون برخورداری از اخلاق و منش شایسته (راب، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵)، آشنایی با دانش تورات (تلمود، پساحیم، ۱۴۹ق)، تناسب شئون اجتماعی زوجین (همان، یواموت، ۱۴۳الف)، تناسب سنی (همان، سنهدرین، ۱۷۶الف)، تناسب وراثتی (همان، بخوروت، ۴۵ب) و سنخیت با علاقه‌مندی‌های شخصی (همان، قدوشین، ۴۱الف) از ویژگی‌هایی است که در تلمود برای همسر برشمرده شده است.

۲-۳. توجه به دستورات شریعت در بدو تکوین نطفه و دوره جنینی فرزند

فرزندآوری و میصوای عونا (mitzvah Onah) (לַאִנּוּחַ) رابطه زناشویی) وظیفه‌ای شرعی و مقدس است که برای انجام آن آداب ویژه‌ای ذکر شده و لازم است مطابق احکام شریعت به آن پرداخته شود تا نطفه کودک با قداست تکوین یابد و قابلیت برخوردار از نشامای مقدس (Neshumeh = روح و فطرت پاک و معنوی) را داشته باشد (حمای لاله‌زار، ۱۳۸۶، ص ۹).

در کل، داشتن زندگی مقدس، فراتر از عمل به پاره‌ای فرامین شریعت است؛ چنان‌که خصمیم فرموده‌اند: تمام اعمال به نیت پروردگارت باشد (تلمود، میشنا آووت، ۱۲الف؛ راب، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰). این بدان معناست که حتی اعمال مباح، مانند غذا خوردن، نوشیدن و راه رفتن را به‌عنوان عبادت خداوند یا هر چه به عبادت او منتج گردد، انجام بدهد (تلمود، سوکا، ۵۲ب). به این ترتیب، لازم است زوجین با آمادگی روحی و معنوی کافی به جنبه‌های قدسی فرزنددار شدن توجه کنند. بنابراین، اگر فرد نیت کند که صاحب فرزند شود تا به او خدمت گزارد و جای او را پر کند، ممدوح نیست؛ بلکه باید چنین نیت داشته باشد که برای عبادت آفریدگارش صاحب فرزندی شود تا مشغول به یادگیری تورات و مجری اوامر او باشند (حمای لاله‌زار، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳).

۳-۳. مراقبه و تربیت نفس

اصل مراقبه و مبادرت به اعمال نیکو پیش از آنکه فرد بخواهد کسی را به آن دعوت کند، از اصول مشترک ادیان است. آیه «هیئتقوا ششو واقو شو»؛ ابتدا خودتان را [به صفات نیکو] زینت دهید (صفینای نبی، ۲: ۱) به‌صراحت گویای این ضرورت است که ابتدا باید خود را اصلاح نمود؛ سپس به امر و نهی دیگری اقدام کرد. بالطبع توصیه به فرزند نیز از این قاعده مستثنا نیست و زمانی اوامر تربیتی بر جان وی خواهد نشست که والد، خود عامل باشد.

جنبه دیگر مراقبه، مختص مادران در زمان بارداری است که برای ایشان افضل اعمال محسوب می‌شود. همچنین خوب است به هر مقدار که برایش امکان دارد، به استماع دروس علوم دینی بپردازد؛ تفیلا (Tefillah) = תפילה = نماز در آیین یهودیت) بخواند و به ادای میصووت (Mitzvoth) = מצוות = اعمال شایسته مطابق فرامین الهی) بپردازد و از خداوند بخواهد فرزندی خداترس، سالم، عاقل و موفق در اجرای فرامین تورات به وی عطا گردد (حمای لاله‌زار، ۱۳۸۶، ص ۵۴). ادای سنت کپاروت^۲ (دایرةالمعارف جودائیکه، ج ۱۱۰، ص ۷۵۷-۷۵۶)، دعا هنگام روشن کردن شمع شبات، و صدقه و احسان به نیازمندان (یشایا هلتزبرگ، ۲۰۱۰، ص ۹۵)، از دیگر اعمالی است که انجام آنها از جانب مادر، بر سلامت روح، معنویت و برخوردارگی از ذات پاک در جنین تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۴-۳. توجه به ینکه والد حقیقی خداست

در تورات، خداوند خالق انسان و پرورش‌دهنده اوست (پیدایش ۹-۲: ۷). شارحان عرفان یهود والدین را به این موضوع متوجه می‌کنند که هر انسان سه والد دارد: ذات متبارک قدسی، پدر و مادر. استاد ایشان به این روایت است

که «وقتی شخصی پدر و مادر خود را احترام می‌گذارد، ذات قدسی می‌گوید: من آنها را دیدم؛ آنچنان که گویا در میان آنها ساکن بودم و او مرا احترام می‌کرد» (تلمود، قدوشین، ۲ و ۳۱الف).

در اینجا، والدین طرف مقابل سرچشمه زندگی در خلقت هر انسانی محسوب می‌شوند. در یک خانواده، در جریان تربیت فرزند، هر والد از یک سو با والد دیگر در تعامل است و از سوی دیگر با والد ازل در این وظیفه ختیر مشارکت می‌کند. بدین ترتیب، هر والد به‌زای تحمل زحمات فرزندپروری و هم‌زمان ایفای وظایف همسری، مأجور است و استحقاق دریافت الهامات ذات قدسی را پیدا می‌کند و در سایه این از خودگذشتگی، به اشراقی دست می‌یابد که بتواند با عزم راسخ‌تر به تلاش خود ادامه دهد (کیپنس و نومیر، ۲۰۱۵، ص ۳۵-۳۲).

۳-۵. تکریم کودک

در تورات، کودکان مسح‌شدگان خداوندند که نباید آزار ببینند (اول التواریخ ۱۶: ۲۲). خصامیم و اندیشمندان یهود تعلیمی در اختیار والدین قوم قرار داده‌اند که در اصل موضوع، گویای اهمیت توجه به درک کودک و توجه به تربیت او از بدو تولد است. به‌طور مثال، گفته شده است:

ما با فرایند طبیعی، برای محافظت از خود متولد می‌شویم. نوزادان ذاتاً خودخواه هستند. آنها وقتی غذا می‌خواهند، فریاد می‌زنند و وقتی به کمک نیاز دارند، جیغ می‌کشند و ذاتاً توجه اطرافیان را به خود جلب می‌نمایند. از همان نخستین لحظات ولادتشان، ما خودمان را در امتداد خواسته‌هایشان قرار می‌دهیم. گرچه در نوزادی این‌گونه رفتارها جذاب و بانمک به نظر می‌رسند، اما اگر فرو گذاشته شوند، به‌سرعت رشد کرده و تباهی شخصیت به بار می‌آورند. آن‌گاه حاصل تربیت ما، خردسالانی طاقت‌فرسا، کودکانی خودخواه و جوانانی در خود مستحیل و مغرور خواهند بود. لذا کار تطهیر و تزکیه باید خیلی زود انجام شود و واقعاً وقتی برای تلف کردن وجود ندارد (کیپنس، ۲۰۱۵، ص ۲۴).

در فرهنگ دینی یهود، سنت «ختان» یکی از مصادیق تطهیر و تزکیه اولاد ذکور و نوعی قربانی محسوب می‌شود که سلسله‌ای از ارزش‌ها و پاره‌های نگرش‌های انسان‌شناسی با آن ارتباط پیدا می‌کند. به‌طور مثال، درحالی‌که قاطبه فرامین دینی، ارتباط تازه‌ای با خداوند را پیش روی انسان می‌گذارند و انوار الهی را نوبه‌نو به جهان می‌کشند، این فریضه پیمان باطنی خداوند با یهودیان را - که درست در زمان تولد منعقد می‌شود - آشکار می‌کند (تلمود، یقرا، ۲۱الف؛ میلر، ۲۰۱۱، ص ۲). لذا یهود در مورد زمان انجام آن به‌شدت مراقبت می‌کنند و تأخیر در اجرای آن را جز به ضرورت و وجود خطر جانی برای کودک مجاز نمی‌دانند (رک: ابن میمون، بی‌تا، ص ۷۰۰-۷۰۴).

همچنین گفته می‌شود، نخستین درس رفتار به طفل و پرورش شخصیت او، در آغوش کشیدن اوست. باید کودک را در آغوش گرفت و با محبت فشرد. می‌توان به او اجازه داد برای بیرون آمدن تقلا کند. این تلاش، در واقع مقدمه آموزش‌پذیری اوست. در جریان رشد و کشف محیط پیرامون خویش، والدین خواهند توانست با رفتار خود نکاتی که لازم می‌دانند را به کودک منتقل کنند (کیپنس، ۲۰۱۵، ص ۳۱).

۳-۶. توجه به استعداد ذاتی کودک

مفسران یهود آیه «فرزندت را تربیت کن» (امثال سلیمان ۲۲: ۶) را بر ویژگی‌های ذاتی کودک مترتب می‌دانند. در

میان تفاسیر ایشان می‌توان به نظر *راشی*^۳ اشاره کرد که می‌گوید: آنچه به کودک یاد می‌دهی تا تربیتش کنی، اگر راه خوبی باشد که پیش پایش می‌گذاری، آن عادت و رفتار خوب حتی در پیری از او دور نخواهد شد. او ادامه می‌دهد: سرشت عوض نمی‌شود و مهم است والدین سرشت فرزند خود را بشناسند و او را بر اساس استعدادهای ذاتی‌اش پرورش دهند. مفسران معتقدند: اگر خلاف این قاعده عمل شود، زمانی که اجبار والدین از کودک برداشته شود، او خلاف رویهٔ تربیتی ایشان عمل خواهد کرد. هر فردی را خداوند برای وظیفه‌ای و با استعدادهایی متناسب با آن خلق کرده و مهم این است که اولاً در کودکان استعدادهای ذاتی تقویت شوند؛ ثانیاً بیاموزند که چگونه از ویژگی‌های ذاتی خویش بهره‌برداری کنند؛ چراکه حرکت انسان به سمت کمال، با در دست گرفتن غرایز است و باید کشش‌های مثبت تقویت و کشش‌های منفی کنترل شوند (هاراو یورام، ۱۹۸۳، ص ۴۰-۴۵).

۷-۳. آموزش کودک

از فحواى آنچه گذشت، ضرورت آموزش کودک به‌خوبی دریافت می‌شود و البته در تعالیم یهود بسیار به آن توجه شده است که به‌اختصار مواردی قید می‌گردد.

تلمود سن آموزش کودک را پایان شش‌سالگی می‌داند و می‌گوید: «از شش‌سالگی به بالا او را [به مدرسه] بپذیر و مانند گاوی که خوراک زیاد به او می‌خورانند تا پرور شود، از علم (تورات) انباشته کن» (تلمود، باوایتر، ۲۱الف). همچنین برای سهولت در آموزش الفبای عبری و شاد و فرح‌بخش نمودن آموزش برای کودکان، حروف الفبا را با کلمات معناداری ارتباط می‌دادند. مهم‌تر اینکه این شیوهٔ آموزش الفبا به‌عنوان روشی برای تعلیم قوانین مذهبی و اندرزهای اخلاقی به کار گرفته می‌شد و از این رهگذر، کودکان ملاحظات حاکم بر تعاملات و روابط اخلاقی مدنظر شریعت یهود را می‌آموختند. از جملهٔ این تعالیم می‌توان به اهمیت و ضرورت وفاداری به خداوند و محبت و توکل به او، احسان به فقرا و نحوهٔ دستگیری از ایشان، سکوت و صحبت به موقع، درستکاری، عدالت، پرهیز از شرارت و مواردی از این دست اشاره کرد (راب، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵).

گرامی‌داشت کودک و توجه به پرورش اخلاقی او به‌معنای اعم و اخص آن نیز ریشه در انسان‌شناسی این مکتب دارد. در تورات آمده است: «خداوند انسان را شبیه خویش آفرید» (پیدایش ۱: ۵). *ربی‌بن‌عزری*^۴ از این آیه توجه به مفهوم نوع‌دوستی را برداشت کرده و معتقد است: معیار رفتار انسان با دیگران باید مطلق بوده و به رفتار متقابل بستگی نداشته باشد. در واقع، اصل بر تقدس نوع انسان است؛ زیرا او - مطابق آنچه در تورات آمده - شبیه خداوند آفریده شده است (راب، ۱۳۸۲، ص ۲۳۴). لذا کودکان می‌آموزند که اگر انسان‌ها هموعان خود را صرف‌نظر از نژاد، ملیت و دین دوست بدانند، در جهان آرامش و آسایش برقرار می‌شود. وقتی انسان‌ها با یکدیگر متحد باشند و به کمک یکدیگر بشتابند، کارها آسان‌تر پیش می‌روند و جامعه پیشرفت بهتری خواهد داشت (هیئت تحریریه، ۱۳۸۸الف، ص ۴۸). همچنین، از آنجا که پرتوی از انوار الهی در روح انسان‌ها به امانت گذاشته شده است، توهین کردن به هر انسانی توهین به ذات خداوند است. به‌این ترتیب، بر آموزش نوع‌دوستی و نیکو سخن گفتن و نکوهش توهین به دیگران، تأکید شده است (هیئت تحریریه، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

در تاریخ یهود می‌خوانیم: صحرای سینا صحنه همواره به‌یادماندنی عهد و میثاقی بود که «یهوه» را خدای اسرائیل و «اسرائیل» را امت برگزیده گردانید. این عهد ریشه در میثاق خداوند با ابراهیم داشت و پیشینه آن نیز به پیمان خداوند با نوح بازمی‌گشت (اپستاین، ۱۳۸۸، ص ۱۳). اعتقاد به برگزیده و خاص بودن قوم، خواه‌ناخواه نوزادان و فرزندان قوم را متمایز می‌کند و تدارکات ویژه‌ای در آداب و مناسک‌ها، آموزش‌ها، اخلاقیات و تأدیب ایشان تدبیر می‌نماید تا شئون این برتری حفظ شود (سختر، ۱۹۸۱، ص ۳۸).

ذکر اهداف جزئی و مصادیق رفتارهای اخلاقی - که شارحان شریعت توصیه کرده‌اند از کودکی والدین به فرزندان آموزش دهند - در این متن نمی‌گنجد؛ اما می‌توان عصارة اخلاقیات را در این عبارت هیلل^۵ یافت که وقتی شخص کافری از او خواست همه آیین یهود را در یک جمله برایش خلاصه کند، پاسخ داد: «آنچه برای خود نمی‌پسندی، به دیگران روا مدار» (تلمود، شبات، ۳۱الف). این اصل در آیین یهود به اصل زرین هیلل معروف است و از پایه‌های اخلاق دینی محسوب می‌شود (راب، ۱۳۸۲، ص ۲۳۴).

۸-۳. ایجاد محبت الهی در وجود کودک

روایت شده است که خداوند متعال به حضرت موسی^{علیه السلام} وحی فرستاد: «مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز. عرض کرد: چگونه؟ وحی شد: نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن. آنان خود عاشق من خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۲). یکی از دلایل اینکه هر یهودی موظف است براخاهای^۶ مختلفی در طول روز بخواند و صبح و عصر در نماز این آیه را تکرار کند: «تو آنها (مطالب و معارف تورات) را به‌خوبی به فرزندان بیاموز و همیشه درباره آنها صحبت کن؛ خواه در خانه باشی، خواه بیرون، خواه هنگام خواب باشد، خواه اول صبح» (بخشی از شمع یسرائیل که قرائت روزانه آن برای یهودیان واجب است و در خردسالی به کودک آموخته می‌شود، تنبیه، ۶: ۷) این است که یاد خداوند همواره در دل زنده نگه داشته شود و توجه به الطاف و نعمات الهی در خانواده جاری باشد.

۹-۳. دقت در نحوه مواجهه با خطاهای کودک

در تفسیری بر امثال سلیمان آمده است: تنبیه برای اصلاح آینده است تا آن اشتباه تکرار نشود؛ لذا در تورات، مجازات برخی خطاها چنان شرایط سختی دارد که عملاً اجرای حکم ممکن نباشد (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۲۲). در تلمود آمده است: «هر کس از تنبیه فرزند خطاکار خود کوتاهی کند، سرانجام آن فرزند فاسد و گمراه خواهد شد و پدر او را دشمن خواهد داشت» (تلمود، شمرت ربا، ۱: ۱؛ راب، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰). درعین حال تنبیه و مجازات، عمل نکوهیده‌ای شمرده شده و توصیه شده است: «انسان هرگز نباید فرزند خود را تهدید به مجازات کند» (تلمود، سمحوت ۶: ۲)؛ بلکه بهترین طریقی که مرد باید در رفتار با زن و فرزندان خود اتخاذ کند، آن است که با دست چپ آنها را از خویش دور کند و با دست راست به خود نزدیک سازد (راب، ۱۳۸۲، ص ۱۹۱).

۴. بررسی شباهت و تفاوت وظایف والدین در قبال تربیت فرزند در اسلام و یهودیت

مطابق منابع دینی در هر دو شریعت، تربیت فرزند از اسلوب مشابهی برخوردار است. همچنین می‌توان این نه وظیفه را به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول سبب برخورداری کودک از ذات نیکوست؛ دوره دوم در ناخودآگاه او فضایل اخلاقی و انسانی را نهادینه می‌کند؛ دوره سوم ابتدا به صورت ناخودآگاه و سپس به طور مستقیم، او را مؤدب به آداب حسنه می‌نماید.

دوره اول تربیت، به زمان انتخاب همسر برمی‌گردد. منابع دینی زوجین را پیش از تصمیم به داشتن فرزند، به تزکیه، اصلاح رفتار و رعایت هرچه دقیق‌تر شریعات تشویق می‌کنند تا بدین وسیله سرشتی پاک برای فرزندانشان رقم بخورد و خود نیز برای تربیت فرزند، احراز صلاحیت نمایند. همچنین اعتقاد بر این است که گرچه حلول روح پاک (در اسلام) یا نشامای مقدس (در یهودیت) در جنین تهای به اختیار و اراده خداوند متعال است، اما والدین با تزکیه و طهارت نفس، دعا و رعایت مستحبات وارد شده در زمان تکوین نطفه، خواهند توانست - به میزانی که خداوند به ایشان تفویض اختیار کرده است - سرشت منزه و نیکوتری برای فرزند خود رقم بزنند.

دوره دوم تربیت فرزند، دوره جنینی اوست. منابع دو شریعت، قدرت درک کودک را در این زمان به رسمیت می‌شناسند و مادران را متوجه تأثیر مستقیم اعمال و رفتار ایشان بر جنین می‌کنند. در اسلام و یهودیت، مادران توصیه شده‌اند به اینکه در این ایام بیشتر به مطالعه کتاب آسمانی بپردازند؛ دل خود را از خشم و کینه و حسد و جمیع رذایل ظاهری و باطنی پاک نگه دارند و در آرامش باشند. علمای یهود به استماع درس دینی در این زمان بسیار سفارش داشته‌اند و معتقدند که آموزش معارف دینی، از همان زمان آغاز می‌گردد. در نهایت با این مراقبه‌ها و پاک نگه داشتن دل، ویژگی‌های ممدوح به صورت بالقوه در نهاد کودک نقش خواهد بست. بحث تزکیه در اینجا فقط مختص مادر نیست؛ بلکه هر کس می‌خواهد شایستگی تأثیرگذاری و تربیت انسانی دیگر را احراز کند، لازم است ابتدا خود آشنا و عامل به فضایل اخلاقی باشد. لذا در هر دو شریعت به شدت بر مقدم داشتن تربیت نفس بر تربیت فرزند و پالودن جان و طهارت باطن تأکید شده است.

موضوع خالقیت الهی در قرآن و تورات، مشخصاً مشهود است؛ اما درباره نقش خداوند در تربیت فرزند تفاوت‌هایی وجود دارد. در اسلام، خداوند «رب» است و تلاش والدین تماماً ذیل اراده اوست. در تورات، شارحان یهود قائل به سه والد برای انسان هستند: پدر، مادر و خدا. بنابراین هر والد در انجام وظایف پدر و مادری خود، هم با والد دیگر و هم با خداوند در تعامل است و به واسطهٔ زحماتی که متحمل می‌شود، خداوند بایی به روی او می‌گشاید که بتواند در سایه الهام و اشراق الهی، در انجام وظایف خود ایفای نقش کند. در نهایت در هر دو دین، سایه یاری خداوند در تمام دوران تربیت، بر سر والدین است.

در دوره سوم، اصل تکریم کودک مورد تأکید هر دو دین است؛ اما منابع روایی راهکارها متمایزی را بیان می‌کنند. در حالی که حضرت محمد ﷺ کودک را ریحانهٔ بهشتی و حضرت موسی ﷺ او را مسح شدهٔ خداوند می‌خواند، روایات اسلامی بیشتر بر مهربانی و روایات یهود بیشتر بر سخت‌گیری بر کودک دلالت دارند.

توجه به استعداد ذاتی کودک در برنامه‌ریزی تربیتی برای او و دقت در نحوه مواجهه با خطایا، در هر دو شریعت مبتنی بر گرامی‌داشت فطرت پاک و کرامت انسانی اوست. اهمیت آشنایی فرزند با خداوند و اینکه تلاش شود وقتی شروع به سخن گفتن نمود، بتواند عبارات «لاله الاالله» یا «شمع بیسرائل» را بیان کند نیز، صرف‌نظر از تفاوت محتوا، در اصل در هر دو شریعت مشابه است و والدین تلاش می‌کنند مهر الهی را در دل کودک پیروانند. همچنین آموزش مفاهیم اخلاقی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف والدین تعیین شده است. چنان‌که در مقدمه گذشت، تفاوت‌هایی در روش‌ها و اولویت‌ها وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره نشده است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه‌که انتظار می‌رفت، با توجه به ریشه مشترک ادیان اسلام و یهود، اسلوب تربیت دینی در این دو شریعت قرابت بسیاری دارند.

برای تربیت بنیادین کودک نه وظیفه تعریف شده است که هر کدام به‌نحوی در ایجاد قدرت و ظرفیت معنوی کودک و آمادگی روحی او برای التزام اعتقادی، اخلاقی و عملی به دین مؤثرند. در هر دو شریعت، فرزندآوری و توجه به تربیت کودک وظیفه‌ای است که نظام دینی بر ذمه فرد می‌گذارد و به آن توجه ویژه دارد. لذا با روایات تشویق‌کننده و انگیزاننده، مؤمنان به اهتمام در تربیت نسل صالح ترغیب می‌شوند که نخستین گام آن انتخاب همسری پاک و دیندار و مزین به صفات نیکوست. همچنین والدین با تزکیه و مراقبه، خود را برای اجرای صحیح اوامر الهی در خانواده و انتقال صفات حسنه به کودک آماده می‌کنند و از خداوند متعال می‌خواهند کودکی با ذات معنوی‌تر به ایشان عطا کند.

در دوره دوم، مادر در دوران جنینی فرزند، با تزکیه، پاک نمودن دل از اوها و صفات رذیله و توجه بیشتر به قرائت متون دینی و فرامین الهی، تلاش می‌کند تا فضایل معنوی به‌صورت ذاتی در فرزند او نهادینه شوند.

دوره سوم تربیت، از زمان ولادت کودک آغاز می‌شود و مشتمل بر دو بخش است که هر دو بخش می‌توانند بستر مناسب برای شکوفایی اخلاقیات را در کودک فراهم آورند. بخش اول، تکریم کودک است که رفتارمحور بوده و والدین با اعمال و رفتار خود، کودک را به‌سمت احترام به ارزش‌ها، آداب دینی و حفظ شئون انسانی سوق می‌دهند که مقدمه این بخش همان فرمان به تزکیه است. به‌علاوه کودک با تکریم شدن و چشیدن حالات اخلاق و رفتار نیکو، به‌صورت ناخودآگاه مؤدب به آداب اخلاقی می‌شود و با عزت نفس بار می‌آید. بدین ترتیب، او آماده تعالیم مستقیم تربیتی و اخلاقی می‌گردد.

بخش دوم آموزش محور است و از سنین شش و هفت‌سالگی، با رسیدن به سن سوادآموزی، آغاز می‌شود. رسولان مکرم دین اسلام و دین یهود والدین را موظف کرده‌اند که از این سن رسماً کودک را با تعالیم کتاب آسمانی، معارف و شریعات - متناسب با توان، میزان رشد فکری او - آشنا کنند و شرایط تحصیل وی در علوم دینی و دانش طبیعی را مهیا نمایند. توجه به استعداد ذاتی کودک و منحصر به فرد بودنش در برنامه‌ریزی تربیتی برای او،

پرورش علاقه کودک به خداوند، و دقت در نحوه برخورد با خطاهای کودک، دیگر مواردی است که در هر دو شریعت بر آنها تأکید شده است.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که دو وظیفه نخست والدین، بیشتر جنبه استحباب و در پاره‌ای موارد وجوب شرعی دارند. وظایف سوم تا پنجم، بیشتر جنبه وجوب اخلاقی دارند و بقیه موارد می‌توانند نوعی آموزش «هنر تعلیم و تربیت» به والدین باشند.

پرورش اخلاقی کودکان از منظر دو شریعت بسیار حائز اهمیت است و توجه به فرامین و توصیه‌های وارد شده شاکله شخصیت کودک - و در امتداد آن بنیاد جامعه دینی - را قوام می‌بخشد. بیان فهرست‌گونه برخی وظایف تربیتی که لازم است والدین خطمشی خویش را بر اساس آنها تعیین نمایند، در ذیل مقدرات الهی، گویای مشرب و حیانی و ریشه ابراهیمی دو شریعت است. روشن است مصادیق رفتاری، روش‌ها و اهداف جزئی تربیتی، تابع قوانین شریعت و متضمن تفاوت‌هایی میان تعالیم جاری در بین پیروان این دو آیین است که پرداختن به آنها مجال خاص خود را می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها

۱. امام صادق (ع) می‌فرمایند: چون کودک سه ساله شود، هفت بار به او بگو «لا اله الا الله» بعد واگذارش تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، هفت بار به او بگو «محمد رسول الله» و دیگر تا چهارسالگی او را واگذار؛ و چون چهار سالش تمام شد، هفت بار بگوید «صلی الله علی محمد و آل محمد» و رهایش کنی تا پنج‌سالگی؛ سپس به او گفته شود دست راست و چپ کدام است. وقتی فهمیده رو به قبله واداشته شود و سجده کند و باز واگذارش کنی تا شش‌سالگی. چون شش ساله شد، رکوع و سجود آموزد تا هفت‌ساله شود. در این سن دستور دهند تا دست صورت را بشوید و وضو بگیرد؛ بعد به نمازش وادارند؛ و چون نه ساله گردد، وضو یادش دهند و اگر ترک کرد تنبیه گردد؛ و به نماز فرمایش دهند و بر ترک آن تنبیهش کنند؛ و چون نماز و وضو فراگیرد، والدینش آموزیده شوند، انشاءالله (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۲۵).
۲. Kapparot (כפרות) در مراسم کپاروت که قبل از یوم کیبور برگزار می‌شود، شخص پس از تلاوت آیاتی از تورات به صورت نمادین یک پرند را به عنوان کفاره گناهان خود قربانی می‌کند. امروزه این عمل جزء سنن حسیدیسیم محسوب می‌شود و بین جوامع یهود اهمیت عرفانی دارد. آنها می‌توانند قربانی را با پرداخت مبلغی به عنوان صدقه معاوضه نمایند. خوب است مادر این آداب را به نیت خود و جنین به‌جا آورد تا اگر احتمالاً در مدت بارداری غذایی ممنوع خورده و این غذا به خون و گوشت جنین تبدیل شده است، با این کفاره تطهیر شود.
۳. Salomon Isaacides (רבי שלמה יצחקי) ربی شلوموبن اسحاق، معروف به راشی (۱۱۰۵-۱۰۴۰م) بزرگ‌ترین مفسر تورات می‌باشد.
۴. Simeon ben Azzai (שמעון בן אצאי) از دانشمندان و قضات بزرگ یهود در قرن دوم و سوم میلادی.
۵. Hillel (הלל) (۱۱۰ق.م-۱۰م) از دانشمندان و رهبران مذهبی قوم یهود که هفت اصل برای تفسیر تورات، استنتاج و استخراج احکام و قوانین را گردآوری کرد (۱۹، ص ۱۷۲).
۶. Berakhah (ברכה) دعای شکرگزاری یا طلب برکت است که یهودیان معمولاً پیش از انجام بعضی فرامین الهی یا صرف برخی خوراکی‌ها و استفاده از نعمات خداوند می‌خوانند.

منابع

- صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸، ترجمه حامد رحمت کاشانی، تهران، شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر. عهد قدیم
- ابن سعد، محمد بن سعد، ۱۴۱۰ق، الطبقات الكبرى، محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی علیه السلام.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، ۱۴۱۸ق، سنن ابن ماجه، بشار عواد معروف، بیروت، دارالاجیل.
- ابن میمون، بی تا، دلالة الحائرين، تصحیح: حسین آقایی، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة.
- أبو عبدالله الحاکم، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، المستدرک علی الصحیحین للحاکم، تحقیق: عبدالقادر عطا المصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ایستاین، ایزدور، ۱۳۸۸، یهودیت بررسي تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- الحافظ أبی القاسم، سلیمان بن أحمد، ۱۳۹۸ق، المعجم الکبیر، تحقیق: عبدالمجید حمدی، قاهره، مکتبه ابن تیمیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حامی لاله زار، یونس، ۱۳۸۶، طهارت خانوادگی: تلمود تورا، تهران، کنیسای ابریشمی.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، تاریخ بغداد أو مدینة الاسلام، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۳، سیری در تربیت اسلامی، تهران، دریا.
- راب، آبراهام، ۱۳۸۲، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه و تطبیق با متون عبری: یهوشوع، نتن الی، ترجمه از متن انگلیسی: امیر فریدون گرگانی، تصحیح: غلامرضا ملکی، به اهتمام: امیرحسین صدری پور، تهران، اساطیر.
- سلیمانی، حسین، ۱۳۸۴، عدالت کيفی در آیین یهود، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- شختر، حییم و همکاران، ۱۹۸۱، واژه‌های فرهنگ یهود، ترجمه مقالات: منشه امیر و همکاران، تل آویو، انجمن جوامع یهودی.
- صانعی، سیدمهدی، ۱۳۷۶، پژوهشی در تعلیم و تربیت، تهران، سناباد.
- صفائی حائری، علی، ۱۳۸۹، تربیت کودک، قم، لیلة القدر.
- طبرسی حسین بن فضل، ۱۳۶۵، ترجمه تشریف کتاب مکارم/الاخلاق، ترجمه: ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵ق، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه لشیخ مفید، مقدمه: شهاب‌الدین مرعشی، تهران، فراهانی.
- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۴۳، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۱۹ق، کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال، تصحیح: محمود بن عمر دمیاطی، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۴، حلیة المتقین، قم، عصر جوان.
- _____، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- مظاهری، حسین، ۱۳۷۴، تربیت فرزند از نظر اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- نسایی، احمد بن علی، ۱۴۱۱ق، سنن الکبری، تصحیح: احمد شمس‌الدین، عبدالغفار بنداری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- نوری، میرزا حسن، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

هاراو یورام حداد 7777777777 (۵۷۶۲ عبری، ۱۹۸۳م)، *عصوت یحیوخ لا لاوا* (مشورت‌هایی برای تربیت)، بنه براق - اسرائیل، ماخون (انتشارات) هاراو مصلیح.

هیئت تحریریه، ۱۳۸۸ الف، *تعلیمات دینی کلیمیان: پایه پنجم ابتدایی*، تهران، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.

هیئت تحریریه، ۱۳۸۸ ب، *تعلیمات دینی کلیمیان: پایه چهارم ابتدایی*، تهران، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.

یوسفیان، نعمت‌الله، ۱۳۸۶، *تربیت دینی فرزندان*، قم، زمزم.

(مباحث مرتبط با مقاله در این کتاب توسط جناب حاخام یونس حمامی لاله‌زار از زبان عبری به فارسی ترجمه و در اختیار نگارنده قرار گرفته است).

Alt Miller, Yvette, 2011, *Angels at the table: six ways to teach kids about spirituality*, Vermont, USA, Jewish Lights.

Bailey, R, 2005, *Teaching values & citizenship across the curriculum, educating children for the world*. Great Britain: Rutledge Flamer.

Encyclopeda of Judaica Jerusalem, Israel book, corrected ed, 1996.

Kipnes, Paul & Michelle, 2015, *Jewish spiritual parenting: Wisdom, Activities, Rituals and Prayers for Raising Children with Spiritual Balance and Emotional Wholeness*, Vermont, USA, Jewish Lights.

Yeshaya Holtzberg, Avraham, 2011, *Customs of pregnancy and Birth*, translated to English: Neabat Shimon.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی